

Journal iranian political sociology
Vol. ۵, No. ۱۰, dey ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/۱۰.۳۰۵۱۰/psi.۲۰۲۲.۳۲۷۵۶۴.۳۰۴۲>

Abstract:

The International Criminal Court has created a new structure for prosecuting perpetrators of major international crimes. How to start investigating and prosecuting crimes is an important issue in the Statute of the Court. According to the provisions of the Statute on the initiation of prosecution, the three aspects of "referral by member states", "referral by the Security Council" and "prosecutor's initiative" are established. In this regard, the court system has been designed in such a way that by eliminating the interrogation stage, the task of investigation has been assigned to the prosecutor along with the prosecution, who performs his duties under the supervision of the preliminary branch. In this regard, the prosecutor can collect information and evidence, review the documents, obtain the statements of witnesses and informants, investigate the accused and suspects and summon or arrest them. Member states are also required by law to cooperate with the prosecutor. It has jurisdiction over the supplementary court and exercises jurisdiction only in cases where no competent domestic court can or does not want to prosecute. In addition, the Security Council may, in accordance with Chapter VII of the Charter of the United Nations, request a moratorium on prosecutions and investigations.

نحوه تحقیق و تعقیب در دیوان کیفری بین المللی

سیروس تختائی نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

اکبر رجبی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

سمیرا گل خندان^۳

چکیده

دیوان کیفری بین المللی ساختار نوینی را برای تعقیب مرتکبین جرایم مهم بین المللی به وجود آورده است. نحوه شروع به تحقیق و تعقیب جنایات از مسائل مهم اساسنامه دیوان است. به موجب مفاد اساسنامه در مورد شروع به تعقیب، جهات سه گانه «ارجاع توسط کشورهای عضو»، «ارجاع توسط شورای امنیت» و «ابتکار دادستان» مقرر شده است. در این خصوص نظام دادرسی دیوان به گونه ای طراحی شده است که با حذف مرحله بازپرسی، وظیفه تحقیق نیز در کنار امر تعقیب بر عهده دادستان قرار گرفته است که وظایف خود را تحت نظارت شعبه مقدماتی انجام می دهد. در این راستا دادستان می تواند اقدام به جمع آوری اطلاعات و ادله، بررسی اسناد و مدارک، اخذ اظهارات شهود و مطلعین، تحقیق از متهمان و مظنونان و احضار یا جلب آنها بنماید. دولتهای عضو نیز به موجب اساسنامه مکلف به همکاری با دادستان هستند. صلاحیت دیوان تکمیلی است و تنها در مواردی که هیچ دادگاه صالح داخلی نتواند یا نخواهد که جریان را تحت تعقیب قرار دهد، اعمال صلاحیت می کند. ضمن آنکه شورای امنیت می تواند بر طبق فصل هفتم منشور ملل متحد درخواست تعویق اقدامات تعقیبی و تحقیقی را بنماید.

واژگان کلیدی: تعقیب، تحقیق، دیوان کیفری بین المللی، جنایات بین المللی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین^۱

استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران (نویسنده مسئول)^۲

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین^۳

مقدمه

اندیشه تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی که بتواند به طور دائم به جرایم بین‌المللی رسیدگی کند و به عنوان ابزاری پیشگیرانه با ضمانت اجرای قوی، جانان بالقوه را از ارتکاب جرم بازدارد، به بیش از ۷۰ سال پیش یعنی جنگ جهانی دوم و حتی پیش از آن باز می‌گردد و این اندیشه به عنوان آرزویی دیرینه بالاخره در ابتدای قرن بیست و یکم جامه‌ی عمل پوشید. ضرورت تشکیل چنین مرجعی، رشد و توسعه جرایم بین‌المللی از طریق سازمان‌های قدرتمند فراملی، متأثر شدن جامعه بین‌المللی و وجدان جمعی کلیه ملت‌ها از نقض شدید تعهدات بین‌المللی و ماهیت خطرناک جرایم ارتكابی در این عرصه است (جوانمرد، فدایی، ۱۳۸۹: ۲۸).

با نگاهی به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی سه اصل اساسی را می‌توان در آن ملاحظه کرد. اول اینکه برخلاف محاکم کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا که اصل تفوق (primacy) برمحاکم داخلی مبنای صلاحیت آنها را تشکیل می‌دهد، صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی تکمیلی (complementary) است که این مسأله در مقدمه و مواد ۱ و ۱۷ تا ۱۹ اساسنامه مورد تصریح قرار گرفته است. دلیل این امر آن است که صلاحیت آن دو محکمه موردی و موقت است، در حالی که صلاحیت این دادگاه عام و دائمی است. و دولتها اصرار داشتند که صلاحیت اصلی و ابتدایی برای تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی همچنان برای محاکم داخلی کشورها باقی بماند و دادگاه کیفری بین‌المللی تنها در مواردی که هیچ دادگاه صالح داخلی نتواند یا نخواهد که مجرمان را تحت تعقیب قرار دهد، برای جلوگیری از فرار آنها از چنگ عدالت، اعمال صلاحیت نماید.

اصل دوم در اساسنامه آن است که دادگاه کیفری بین‌المللی فقط به مهمترین جرایم بین‌المللی، یعنی نسل‌کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی و تجاوز اراضی می‌پردازد و در سایر موارد باید به نظام قضایی داخلی کشورها برای تعقیب و محاکمه مجرمان تکیه نمود تا بودجه و نیروی محدود دادگاه کیفری بین‌المللی صرف مقابله با جرایم و مجرمان کم‌اهمیت نگردد. به دلیل همین اهمیت و سنگینی جرایم مشمول صلاحیت دادگاه است که ماده ۲۹ اساسنامه مرور زمان را نسبت به آنها جاری ندانسته است. سومین اصل زیربنایی اساسنامه آن است که در راستای قابل پذیرش کردن اساسنامه برای تعداد بیشتری از کشورها، حتی المقدور سعی شده است که مفاد آن از حقوق بین‌المللی عرفی عدول ننموده و عنداللزوم سازشی بین نظامهای حقوقی مختلف ایجاد نماید (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۷ و ۳۸).

با عنایت به آنچه گفته شد و توجهاً به اهمیت مراحل تعقیب و تحقیق ضرورت آگاهی جامعه حقوقی و دانشگاهی با نحوه رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی و نظر به موقعیت کشور ما که اساسنامه دیوان را امضاء ولی هنوز آن را تصویب ننموده است، در این پژوهش تلاش شده است نحوه تعقیب جنایات و تحقیق درباره آنها در دیوان کیفری بین‌المللی بررسی و مورد تجزیه و تحلیل واقع و در نهایت نتیجه‌گیری لازم معمول گردد.

به لحاظ آنکه جنایات بین المللی اصولاً به صورت سازمان یافته و توسط اشخاصی ارتکاب می یابند که مناصب بالای حکومتی دارند، شروع به تعقیب در دادرسی های کیفری بین المللی، امری بسیار حساس است. و چنانچه از سازوکارهای مناسب برخوردار نباشد چه بسا که به جای اعاده نظم از دست رفته بین المللی به مخدوش شدن هر چه بیشتر آن کمک کند. سابقه دادرسی های کیفری بین المللی نیز گویای این مطلب است. در سرتاسر اساسنامه رم و آیین دادرسی و ادله آن شاهد احتیاط های فراوان در به جریان انداختن دعوی کیفری بین المللی هستیم. یکی از این احتیاط ها محدودیت در صلاحیت است. همچنین برای شروع به تعقیب در دادرسی های کیفری بین المللی ساز و کارهای خاص تعبیه شده است تا دیوان از نفوذ و سیطره قدرتهای بزرگ در امان باشد و صرفاً به طرق محدود بتوان تعقیب بین المللی را آغاز کرد. علاوه بر این در تدوین اساسنامه دیوان سعی شده است با استفاده از دستاوردهای نظام های دادرسی داخلی، امر تعقیب و تحقیق صرفاً در اختیار دادسرا نباشد و تحت نظارت شعبه ای از دادگاه انجام شود (صابر ، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

۱ - ۱ - ۱ - تحقیق به ابتکار دادستان

مطابق ماده ۱۵ اساسنامه دیوان ، دادستان کیفری بین المللی می تواند رأساً و بنا به صلاحدید خود نسبت به تعقیب وضعیت های اعلامی و شکایت های مطروحه اقدام نماید. در پیش نویس اولیه کمیسیون حقوق بین الملل ، برای دادستان چنین اختیاری پیش بینی نشده بود و تنها مکانیزم شروع به رسیدگی در دیوان ، ارجاع شورای امنیت و دولت های عضو بود (آقایی جنت مکان ، ۱۳۷۸: ۲۶۶). در خصوص نقش دادستان و استقلال یا تبعیت وی در شروع به تعقیب و تحقیق ، سه نظریه متفاوت وجود دارد.

الف : نظریه افراطی : به عقیده طرفداران این نظریه ، دیوان کیفری بین المللی باید از دادستانی کاملاً مستقل برخوردار باشد. دادستانی که بتواند بنا به صلاحدید خود و با استفاده از اطلاعاتی که از منابع موثق و از جمله سازمانهای دولتی و غیر دولتی منطقه ای و بین المللی به دست می آورد ، متهمان را تعقیب نموده و با تکمیل پرونده ، موجبات محاکمه را در شعب دیوان فراهم سازد (آل حبیب ، ۱۳۸۷ : ۲۷۵).

ب : نظریه افراطی : بر اساس این نظریه دادستان دیوان صرفاً پس از وصول ارجاعات شورای امنیت سازمان ملل متحد یا دولت های عضو اساسنامه اقدام به تحقیق و تعقیب می نماید و استقلال وی در این زمینه ندارد.

ج : نظریه اعتدالی : بر اساس این دیدگاه دادستان می تواند رأساً تحقیق را آغاز نماید ، اما به منظور رفع نگرانی از قدرت مطلقه دادستان ضرورت دارد شعبه مقدماتی دیوان بر اقدامات و عملکرد او نظارت داشته باشد و دادستان بر اساس تصمیم دیوان در رد یا تأیید اقدامات وی به نحو مقتضی عمل نماید. اساسنامه دیوان در خصوص نقش دادستان و استقلال یا عدم استقلال وی در شروع به تعقیب و تحقیق از نظریه اعتدالی تبعیت نموده است.

۱ - ۱ - ۲ - ارجاع توسط کشورهای عضو اساسنامه

یک دولت عضو اساسنامه می تواند وضعیتی را که ظاهراً در آن یک یا چند جنایت داخل در صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است به دادستان ارجاع و تقاضای تحقیق نماید. درست همان طور که در حقوق داخلی به موجب نظام های حقوقی مربوطه شهروندان مسؤول و وظیفه شناس ممکن است وقوع جرمی را به پلیس یا دادستان ارجاع دهند بدون آنکه لزوماً فردی را به عنوان مسئول جرم نیز معرفی کنند، در اینجا نیز صرفاً یک وضعیت توسط کشورها ارجاع می شود (شبت، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه دیوان، دولتی که عضو این اساسنامه می شود، صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات مذکور در ماده ۵ می پذیرد. در فروض الف و ج ماده ۱۳ اساسنامه (فرض ارجاع یک وضعیت توسط یک دولت عضو به دیوان و یا شروع تحقیقات رأساً توسط دادستان) دیوان در صورتی می تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که حداقل یکی از دولتهایی که در قلمرو آن، فعل یا ترک فعل مورد نظر روی داده باشد یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما ارتکاب یافته، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است و یا دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب، تبعه آن است، عضو اساسنامه باشد یا صلاحیت دیوان را بر طبق بند ۳ ماده ۱۲ پذیرفته باشد.

۱-۱-۳- ارجاع توسط شورای امنیت

طبق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه، جایی که شورای امنیت وضعیتی را به دیوان ارجاع می نماید، دیوان می تواند صلاحیت خود را اعمال نماید. اساسنامه هیچ جزئیات یا شرط دیگری برای این تقاضا قائل نشده است و صرفاً تصریح می کند که این اقدام شورای امنیت باید بر اساس فصل هفتم منشور انجام شود. به نظر می رسد این موضوع شورا را قادر می سازد تا از دیوان به عنوان جایگزینی برای دادگاههای ویژه بهره ببرد. اختیار ارجاع شورای امنیت به دیوان را می توان اینگونه توجیه کرد که شورای امنیت بر اساس منشور ملل متحد وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد و اصولاً نیز جرائمی که تحت صلاحیت دیوان قرار دارد، در وضعیت هایی واقع می شوند که صلح و امنیت بین المللی تهدید یا نقض می گردد.

همچنین به نظر می رسد که اختیار ارجاع چنین وضعیتی هایی به دیوان، نه تنها استقلال دیوان را خدشه دار نمی کند بلکه دیوان را قادر می سازد جرایم ارتكابی توسط کشورهای عضو اساسنامه نیستند یا جنایت واقع در چنین کشورهایی را بدون نیاز به قبول صلاحیتش از سوی این کشورها، مورد تعقیب قرار دهد. دیگر اینکه پیش بینی چنین امکانی برای شورای امنیت می تواند از تکثیر دادگاههای کیفری بین المللی ویژه که خود محصول شورای امنیت هستند، جلوگیری کند (صابر ۱۳۸۸: ۱۸۳).

۱-۲- تعویق تعقیب

تعویق تحقیق یا تعقیب به تأخیر انداختن اقدامات تحقیقی یا تعقیبی برای مدت زمان خاصی است که در حقوق داخلی برخی کشورها وجود دارد. با طرح ایده تأسیس دیوان کیفری بین المللی نیز کمیسیون حقوق بین الملل که موظف به تهیه پیش نویس اساسنامه دیوان بود، طرح تعویق یا تعقیب در اساسنامه را پیشنهاد نمود که اصل این پیشنهاد با تغییراتی مورد پذیرش شرکت کنندگان در کنفرانس رم قرار گرفت و در این راستا ماده ۱۶ اساسنامه به تصویب رسید. به موجب این ماده درخواست تعویق اقدامات تحقیقی یا تعقیبی از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت می پذیرد که باید طبق فصل هفتم منشور ملل متحد اقدام به این کار نماید. در واقع هدف از تصویب ماده ۱۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی این بود

که این اختیار به شورای امنیت داده شود که از آغاز یا ادامه رسیدگی به یک وضعیت خاص که عبارت از یک سال است نباید هیچ اقدام تعقیبی یا تحقیقی آغاز شود و یا اگر قبلاً تحقیق یا تعقیب به جریان افتاده باشد باید متوقف گردد. البته شورای امنیت مجاز است که مجدداً در پایان مدت یک سال مذکور آن را تمدید نماید. اختیار تمدید تعویق بدون محدودیت به شورای امنیت اعطا شده است که سرمنشأ انتقادات فراوانی گردیده است. اعمال ماده ۱۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای نخستین بار با تصویب قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت صورت پذیرفت که یک سال پس از آن نیز به موجب قطعنامه ۱۴۸۷ تمدید گردید (گلدوست جویباری، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

۱-۳- معیار سنجش و شدت اهمیت موضوع قابل تعقیب

دیوان کیفری بین المللی قادر نیست به تمام جرایم داخل در صلاحیت خود رسیدگی کند. همچنین تعقیب کردن در دیوان استثنایی است بر اصل تعقیب شدن توسط محاکم ملی؛ اما گزینشگری در دیوان ضابطه مند است و دادستان براساس میزان « شدت » پرونده ها تعقیب آنها را اولویت بندی می کند (ذاکر حسین، ۱۳۹۶: ۸۵).

مهمترین عوامل تشخیص شدت مندی یک پرونده در دیوان کیفری بین المللی عبارتند از میزان و گستره جرم، شیوه ارتکاب جرم، آثار جرم و ماهیت جرم.

۱-۳-۱- نظریه تعقیب موضوعی

تعقیب موضوعی عبارت است از دایر کردن تعقیب بر مدار موضوعات و زمینه های خاص کیفری (De guzman, 2012, 11). به بیان دیگر تعقیب موضوعی امر تعقیب را به سمت موضوعات ویژه کیفری سو و جهت می بخشد. براساس این نظریه، در انتخاب و گزینش یک پرونده کیفری آنچه مناط اعتبار است ماهیت جرمی است که مورد تعقیب واقع می شود. جرایم و موضوعات کیفری ویژه که در امر تعقیب باید در اولویت قرار گیرد، در بیان اساسنامه رم همان جرایمی است که از شدت بیشتری نسبت به سایر جرایم برخوردارند و بنابراین در اولویت های تعقیبی دادستان قرار می گیرند. شدت مندی در اینجا برخلاف تبادر اولیه از مفهوم شدت است که پیامدگرایانه بوده و منصرف به میزان خسارات ناشی از جرم یا خشونت در اجرای آن است. مطابق دکترین تعقیب موضوعی، شدت جرم در پرتو غلظت « بی کیفرمانی » مرتکبان آن جرم معنا می یابد. به بیان دیگر، متعلق شدت در اینجا ضرر ناشی از جرم نیست، بلکه بی کیفرمانی مرتکبان آن است. برخی از موارد و « تم » های کیفری که در عداد جرایم بین المللی اند، به صورت سنتی، کمتر از سایر جرایم مورد توجه نظام های کیفری ملی واقع شده اند. همین مورد توجه واقع نشدن، دکترین تعقیب موضوعی را به توصیه کردن به اولویت بخشیدن به این جرایم که قربانیان بی صدای آن نیازمند حمایت ویژه اند، ترغیب می کند (ذاکر حسین، ۱۳۹۶: ۹۴).

۲- نقش و جایگاه دادستان به عنوان مقام تعقیب و تحقیق

دادستان دیوان کیفری بین المللی از مرحله تحقیق تا اجرای حکم، دارای وظایف و اختیاراتی است. وی رأساً یا از طریق ارجاع کشورهای عضو یا شورای امنیت، می تواند تحقیقات را شروع کند. وی باید به گردآوری ادله و اطلاعاتی که مربوط به جرایمی که له یا علیه متهم باشد، بپردازد؛ در این راستا، دادستان می تواند برای تحقیقات و دادرسی، از اطلاعات سازمانهای غیردولتی و هر منبع مناسب دیگری استفاده نماید. همچنین می تواند بازداشت متهمان را از شعبه مقدماتی تقاضا

کند. از جمله منابع تحقیق وی، کمیسیون ها و کمیته های حقیقت یاب است. دادستان مکلف است حین تحقیقات، حقوق مظنونان و متهمان از جمله حق داشتن مترجم و وکیل را رعایت نماید دادستان اختیار انجام تحقیق در قلمرو کشورهای عضو و تحقیقات فوق العاده را دارد.

از جمله وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی، حضور در دادگاه و دفاع از کیفرخواست است. ضمن آنکه دادستان بار اثبات مجرمیت را بر عهده داشته و در مرحله رسیدگی مکلف به افشای ادله و اطلاعات و آگاهی دادن متهم از نوع اتهام و ادله آن است؛ می تواند ایراد رد دادرسی را مطرح نماید؛ دادستان پس از صدور حکم می تواند از آن تجدیدنظر خواهی کرده و یا اعاده دادرسی را بخواهد (بابایی، ۱۳۸۹: ۸۳).

۲-۱- وظایف و اختیارات دادستان

وظایف عمده دادستان به قرار زیر است:

- بررسی موقعیتهایی که ارتکاب یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دادگاه در آنها توسط دولت عضو یا شورای امنیت به دادستان ارجاع شده است.

- انجام تحقیقات براساس اطلاعاتی که در مورد یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دادگاه به دادستان رسیده است.

- تحلیل اهمیت اطلاعات واصله و کسب اطلاعات بیشتر از دول، سازمان ملل متحد، سازمانهای بین الدولی یا غیردولتی و سایر منابع قابل اعتماد و اخذ شهادت کتبی یا شفاهی در مقر دادگاه.

- اخذ مجوز انجام تحقیقات از شعبه مقدماتی با ارائه کلیه مدارک به آن در صورتی که دادستان زمینه مناسبی برای انجام تحقیقات موجود ببیند.

- انجام تحقیقات به وسیله بازجویی از اشخاص مظنون و قربانیان یا شهود؛ جمع آوری و بررسی مدارک؛ انجام تحقیقات در قلمرو یک دولت (با رضایت یا بدون رضایت آن).

- انجام اقدامات لازم برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات و حمایت از شهود.

- تجدیدنظرخواهی در مورد رأی براءت یا میزان مجازات تعیین شده از سوی شعبه بدوی و پاسخگویی به تجدیدنظرخواهی شخص محکوم علیه.

- درخواست اعاده دادرسی یا پاسخگویی به درخواست اعاده دادرسی طرف مقابل که براساس کشف مدارک و ادله جدید ارائه شده است.

- دفاع از دعاوی در دادگاه.

۲-۲- انواع تحقیقات دادستان

تحقیقات دادستان دیوان کیفری بین المللی با در نظر گرفتن جهات شروع به تعقیب و اینکه به ابتکار خود دادستان است یا از سوی شورای امنیت به وی ارجاع شده و یا توسط کشورهای عضو، متفاوت است. دادستان باید با توجه به اوضاع و احوال و وضعیت ارجاعی به وی و شدت و ماهیت جرم مطابق مفاد اساسنامه و آیین دادرسی و ادله تحقیقات خود را انجام دهد.

یکی از منابع اصلی دادستان برای کسب اطلاعات و انجام تحقیقات، متهم است. دادستان می‌تواند با احضار یا جلب متهم، زمینه حضور او را در دیوان به منظور انجام تحقیقات فراهم آورد. دادستان همچنین می‌تواند با حضور در خاک یک کشور از متهم تحقیق کند (بابایی، ۱۳۸۹: ۹۶). در سیستم دیوان کیفری بین‌المللی جلسه تأیید اتهام معمولاً با حضور متهم یا در شرایط مذکور در ماده (۲) ۶۱ اساسنامه حداقل با حضور وکیل مدافع وی برگزار می‌شود (Cahvo-Goller, ۲۰۰۶: ۱۷۱).

یقیناً دادستان دیوان کیفری بین‌المللی باید در هنگام تحقیقات از متهم، به حقوقی که هر متهم باید از آن برخوردار باشد توجه و اهتمام ویژه داشته باشد. از مصادیق این حقوق می‌توان از حق آزادی، حق آگاهی افراد از اتهام و دلایل آن، فراهم آوردن مقدمات دفاع و آگاهی از حق دفاع، حق سکوت، حق داشتن وکیل و دسترسی به مدارک و اسناد، حق متهم بر علنی بودن دادرسی، حق برابری امکانات یا تساوی سلاح‌ها، حق کرامت انسانی، حق سؤال از شهود و... اشاره کرد.

در مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به حق مطلع شدن از دلایل دستگیری و بازداشت مقدماتی پرداخته نشده، و این موضوع به طور مشخص در هیچ یک از مواد آن نیامده است، اما قواعد آن حاکی از پذیرش چنین حقی در دیوان می‌باشد. برای نمونه در قاعده ۱۱۷ به صراحت از حق مظنون به دریافت نسخه‌ای از قرار دستگیری سخن می‌گوید که از سوی شعبه مقدماتی صادر می‌شود، و حاوی اطلاعات یاد شده است یا شناسایی حق غرامت به سبب دستگیری غیرقانونی و اعتراض در پی آن، متوقف بر آگاهی از دلایل است که نشانگر شناسایی این حق در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است (کریاس فروش، وروایی، ۱۳۹۸: ۴۴۹).

۲-۲-۲ - درخواست احضار یا جلب متهمان

دادستان رأساً حق احضار یا جلب مظنونان برای انجام تحقیقات را ندارد. بلکه در هر مرحله‌ای از تحقیقات می‌تواند از شعبه مقدماتی، صدور دستور احضار یا حکم جلب را درخواست نماید. پس از آغاز تحقیقات در صورت درخواست دادستان شعبه مقدماتی با بررسی درخواست دادستان و ادله و سایر اطلاعاتی که از سوی دادستان ارائه می‌شود، دستور بازداشت را صادر خواهد کرد.

صدور حکم بازداشت توسط شعبه مقدماتی وقتی ممکن است که دلایل کافی مبنی بر ارتکاب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دیوان از سوی شخص وجود داشته باشد و بازداشت شخص ضروری باشد. جهات ضروری بازداشت عبارتند از: حصول اطمینان از حضور وی در محاکمه، حصول اطمینان از اینکه شخص مزبور مانعی در راه تحقیقات یا رسیدگی دادگاه ایجاد نمی‌کند و یا انجام آن را به خطر نمی‌اندازد و جلوگیری از ارتکاب یا ادامه ارتکاب جرایم مشمول صلاحیت دیوان. درخواست دیوان برای بازداشت فرد ممکن است از طریق دولتی که فرد تحت قلمرو آن یافت می‌شود، صورت گیرد. در این صورت دولت باید فوراً اقدامات مربوط به بازداشت شخص تحت تعقیب را به عمل آورد.

اساسنامه دیوان احضار را به عنوان جایگزین بازداشت مطرح می‌کند. مشروط بر اینکه احضار برای اطمینان از حضور شخص نزد دیوان کافی تشخیص داده شود. تعیین اوضاع و احوال پرونده مبنی بر اینکه کدام اقدام را اقتضاء می‌نماید، بر عهده دادستان می‌باشد (بند ۷ ماده ۵۸). چنانچه دلایل پرونده نشان دهد که متهم ممکن است مانع انجام تحقیقات شود یا

انجام تحقیقات را به خطر اندازد و یا ممکن است ارتکاب جرایم را ادامه دهد، صدور حکم جلب الزامی است (بابایی، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

۳-۲-۲- تحقیق از شهود و مطلعین توسط دادستان

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، به گونه ای طراحی شده است که دولت های عضو، الزامی به حاضر نمودن شهود نزد دیوان ندارند و صرفاً در فرضی که شاهد تمایل به حضور داشته باشد، مکلف به رعایت تضمیناتی هستند. وقتی شهادی بر مبنای رضایت خود در دیوان حاضر می شود، مکلف به ادای شهادت است، مگر این که در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله به ویژه مواد ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ به نحو دیگری مقرر شده باشد. شهادت های موضوع این مواد از جمله شامل اظهارات افرادی نظیر پزشک، روانپزشک، وکیل مدافع یا روحانی مذهبی است که نوعی رابطه شغلی یا عاطفی میان آنها با متهم بوده است و لذا باید اصول حرفه ای مراعات شود، یا شامل شهادت مقامات کمیته بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر است که محرمانه بوده و افشا نمی گردند. بدین ترتیب در مرحله تحقیقات، دادستان شهادت کلیه شهودی را که تمایل به ادای شهادت دارند، به طور مستقیم یا توسط کشورهای عضو، اخذ و نگهداری می نماید. در این مرحله، کلیه اصول ناظر بر ادله که در اساسنامه دیوان به ویژه در ماده ۶۹، همچنین در آیین دادرسی و ادله آمده است، باید مراعات شوند. از جمله شاهد باید قبل از ادای شهادت در خصوص واقعیت داشتن گواهی خود سوگند یاد کند. ادای شهادت نیز می تواند به نحو شفاهی یا به صورت ضبط شده در وسایل سمعی و بصری و یا به صورت ارائه اسناد و دست نوشت ها باشد. البته چنین ترتیبی نباید مغایر با حقوق متهم باشد (صابر، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

۳-۲-۳- حمایت از شهود و ارتباط آن با دادستان

در یک جنایت بین المللی، ادای شهادت همواره با مخاطرات جدی روبرو است. بر این اساس واحدی تحت عنوان « واحد قربانیان و شهود» در خصوص اقدامات مناسب حفاظتی و نیز ترتیبات تأمین و همچنین مشاوره و مساعدت به نحوی که در بند ۶ ماده ۴۳ اساسنامه اشاره شده است، دادستان و دیوان را راهنمایی خواهد کرد. این بخش با مشورت دادسرا، اقدامات حمایتی و امنیتی و مساعدت های مناسب دیگر برای شهود و قربانیان و هر شخص دیگری که شهادت شهود ممکن است متضمن خطری برای آنها باشد، انجام خواهد داد. آیین دادرسی و ادله نیز در مواد ۸۵ به بعد اقداماتی در جهت حمایت از قربانیان و شهود در نظر گرفته است. این اقدام ها می تواند شامل اشخاص دیگری شود که احتمال دارد به علت شهادت ارائه شده از سوی شاهد در معرض خطر قرار گیرند. این اقدامات حمایتی در مرحله رسیدگی، متعاقب پیشنهاد دادستان یا وکیل مدافع، یابه تقاضای شاهد یا قربانی یا به ابتکار شعبه رسیدگی کننده، پس از اخذ مشورت از واحد قربانیان و شهود انجام می شود.

۱- نام قربانی، شاهد یا شخص دیگری که به علت ادای شهادت از سوی شاهد، در خطر است یا هر اطلاعاتی که می تواند منجر به کشف هویت وی شود، از بایگانی پاک شود.

۲ - دادستان ، وکیل مدافع یا هر شخص شرکت کننده در جریان رسیدگی ، از افشای چنین اطلاعاتی به شخص ثالث منع شوند.

۳ - شهادت از طریق سیستم الکترونیکی یا دیگر وسایل خاص از جمله با استفاده از وسایل فنی تغییر دهنده تصاویر یا صوت ، استفاده از فناوری سمعی و بصری به ویژه کنفرانس تلویزیونی و تلویزیون مدار بسته و استفاده از رسانه های صوتی ارائه شود.

۴ - اسم مستعار برای قربانی ، شاهد یا شخص دیگری که به علت ادای شهادت در خطر است تعیین شود.

۵ - بخشی از جریان رسیدگی به صورت غیر علنی برگزار شود (بابایی ، ۱۳۸۹ : ۹۸).

در میان کارکنان بخش کمک به قربانیان و شهود که زیر نظر رئیس دبیرخانه فعالیت می کند باید اشخاصی که تخصص در کمک به مصدومین، خصوصاً مصدومین تجاوزات جنسی دارند وجود داشته باشند.

۲-۲-۴- سایر اقدامات تحقیقی توسط دادستان

دادستان می تواند تحقیق کنندگانی را جهت اجرای قسمتی از تحقیقات مقدماتی منصوب نماید. دادستان به عنوان مرجع تحقیق ، از اختیارات وسیعی در انجام تحقیقات مقدماتی برخوردار است. هدف از اعطای اختیارات وسیع به دادستان جهت به جریان انداختن یک دعوی کیفری بین المللی ، این بوده است که نهادی مستقل وظیفه پیگیری و تحقیق در جنایات بین المللی را بدون توجه به مصونیت ها بر عهده گیرد وی می تواند رأساً و براساس اطلاعاتی که در مورد جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دست می آورد ، تحقیقات را آغاز کند و به منظور تکمیل تحقیقات خود ، اطلاعات اضافی را از دولتها ، ارکان سازمان ملل متحد ، سازمان های بین المللی غیردولتی یا منابع معتبر دیگری که خود مناسب می داند جستجو نماید.

دادستان دیوان می تواند تحقیقات مستقل دیگری را برای تکمیل تحقیقات و بررسی صحت یا سقم ادعاها انجام دهد. از جمله این موارد ، بررسی اسناد و مدارکی است که سازمان های غیردولتی یا مقامات دولتی یک کشور در خصوص جنایات ارتكابی در اختیار دارند. دادستان دیوان در قضیه دارفور سودان ، در مرحله تحقیقات ، پنج هیأت نمایندگی را برای دریافت اطلاعات از مقامات دولتی سودان به این کشور اعزام کرد. در وضعیت مربوط به اوگاندا ، دادسرای دیوان تلاش زیادی در برقراری ارتباط با جامعه و کسب اطلاعات از آنها نموده است. به گونه ای که حدود ۲۰ هیأت نمایندگی به منظور کسب اطلاعات از مردم ، مؤسسات ملی و بین المللی به آنجا اعزام شد و در خلال ماه های مارس و ژوئن ۲۰۰۶ کارگروه مشترکی با حضور بیش از ۱۵۰ نفر از رهبران قومی ، بیش از ۱۲۰ دولت ، ۶۰ مقام دولتی و ۵۰ رهبر مذهبی از مناطق شمالی و شرقی اوگاندا برگزار نمود (صابر ، ۱۳۸۷ : ۱۴۶).

۳- همکاری دولتها با دیوان در امر تعقیب و تحقیق

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در زمره اسنادی است که در فصل نهم با عنوان « همکاری بین المللی و معاضدت قضایی » وجوب ایفای تعهد دولت ها را با دیوان مذکور در اشکال گوناگون متذکر شده است. به موجب این معاهده ، همه دولت های عضو مکلف اند برای همکاری با دیوان مقرراتی را در نظام حقوق داخلی پیش بینی کنند ؛ فصل نهم اساسنامه درباره

درخواست های دستگیری و تحویل متهمان همچنين اشکال ديگر همکاري، چگونگي تعامل دولتها را با ديوان مذکور تعيين نموده است. با اين همه، دولت ها در اجرائي مفاد اساسنامه بنا به تعهداتي که پيش از الحاق به آن در قبال ساير دولت ها سپرده اند ممکن است با محدوديت هايي روبرو شوند (اردبيلي، ۱۳۸۶: ۱۲).

به جز همکاري با ديوان در مسأله استرداد، دولت هاي عضو موظفند به درخواست هاي ديوان دابر بر انجام تحقيقات يا تعقيب در قلمرو خود ترتيب اثر بدهند. اين درخواست ها مي توانند راجع به تعيين هويت يک شخص يا تعيين محل وي يا محل اموال يا جمع آوري ادله و تحقيقات از اشخاص يا ابلاغ اوراق قضايي و مواردی از اين قبيل باشد. دولت عضو تنها در صورتي مي تواند درخواست همکاري ديوان را رد نمايد که در مورد تهيه مدارک يا انتشار ادله اي باشد که به امنيت ملي آن کشور مربوط مي شود (بند ۴ ماده ۹۳). مع ذلک، دولت مزبور مي بايست دلايل خود را بدون تأخير به دادگاه و دادستان اعلام نمايد (شريعت باقري، ۱۳۹۰: ۳۵).

ماده ۹۳ اساسنامه تحت عنوان « ساير اشکال همکاري » درخواستهاي همکاري دادگاه از دولتها را در موارد مختلف لازم الاجرا دانسته است. که اهم اين موارد عبارت از جمع آوري ادله و مدارک، انجام تحقيقات از اشخاص و معاينه محل، توقيف اموال، انتقال پرونده ها، ضبط آلات جرم، مصادره اموال مرتبط با جرم، حمايت از قربانيان، شهود، و تأمين ادله و تسهيل حضور اختياري شهود و کارشناسان در محضر دادگاه کيفري بين المللي مي باشد. (همان، ۲۵۷)

۴- نظارت بر امر تعقيب

وضع و تدوين قوانين و مقررات متعدد حقوق بشري همگي ناشي از شناخت و احترام به وجود کرامت ذاتي براي افراد باشد. کرامت ذاتي انسان ايجاب مي نمايد که در فرآيند رسيدگي هاي کيفري الزاماتي در راستاي حفظ و رعايت اين شاخصه مهم جهت حمايت از حقوق طرفين مخاصمه خصوصاً متهمين پيش بيني گردد. در اين راستا رعايت حقوق شهروندي موجب گرديده است، نظارت قضايي بر عملکرد مقامات قضايي در فرآيند تعقيب و تحقيقات بدین لحاظ که با حقوق اساسي افراد در ارتباط مي باشند مورد توجه خاص واضعين ديوان قرار گيرد (منصوري دهبيد و ديگران، ۱۳۹۹: ۴۹).

تسري نظارت قضايي بر مرحله تعقيب و تحقيقات از نظام هاي داخلي به دادرسي هاي کيفري بين المللي از دستاوردهاي اساسنامه ديوان کيفري بين المللي است. البته از تجربيات دادگاه هاي ويژه يوگسلاوي سابق و رواندا نيز بهره برده است. در اساسنامه ديوان کيفري بين المللي، اين اختيار نظارتي به يک شعبه مقدماتي سپرده شده است. پيش بيني چنين شعبه اي در ديوان و نظارت آن بر اقدامات دادستان بيشتر براي اطمينان يافتن دولتهايي بوده است که با اعطا اختيار آغاز تحقيقات به دادستان مخالف بوده اند و بيم آن داشتند که انجام تحقيقات بي پايه از سوي دادستان روابط بين المللي را به خطر بياندازد. اين گونه تحقيقات چه بسا تحت نفوذ و تأثير يک دولت يا شوراي امنيت باشد. لذا نقش نظارتي شعبه مقدماتي به مواردی که دادستان رأساً تحقيقات را آغاز کرده باشد محدود نمي شود و مواردی را که شکايت از سوي يک دولت يا شوراي امنيت ارجاع شده باشد شامل مي شود (صابر، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

دادستان ديوان کيفري بين المللي در عملکرد خود مستقل است اما تابع نظارت است. در نتيجه، تصميم براي آغاز تحقيقات بايد به تأييد شعبه مقدماتي که مرکب از سه قاضي است، برسد. در توجيه نظارت قضايي شعبه مقدماتي آمده است که به خاطر حفظ منافع جامعه بين المللي و حمايت از حقوق مظنونان مي باشد. در تحليل نقش شعبه مقدماتي مي توان گفت که

شعبه بیشتر یک نهاد نظارتی است تا یک نهاد تحقیقاتی همانند قاضی تحقیق. راه حل اساسنامه دیوان بیشتر مبتنی بر مدل توافقی است. شعبه مقدماتی نه تنها یک نقش نظارتی را بعد از این که تحقیقات انجام شد بازی می کند بلکه در مرحله تحقیقات هم مداخله می کند. مشارکت شعبه مقدماتی در مرحله تحقیقات صرفاً محدود به صدور اجازه شروع به تعقیب نیست. برعکس یک نقش مستمر برای شعبه مقدماتی وجود دارد که قدرت و وظیفه صدور دستورات و احکام جلب که برای تحقیقات لازم است را دارد (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

نتیجه گیری

تعقیب و تحقیق از مراحل مهم، حساس و سرنوشت ساز رسیدگی در دیوان کیفری بین المللی می باشند. از این رو اساسنامه دیوان و آیین دادرسی و ادله آن اهتمام ویژه ای به این مراحل از رسیدگی معطوف داشته است. در این خصوص نظام دادرسی دیوان با الهام از سوابق دو دادگاه موردی سابق و رواندا به گونه ای طراحی شده است که مرحله بازپرسی از بین رفته و وظیفه تحقیق نیز در کنار وظیفه تعقیب بر عهده دادستان قرار گرفته است که وظایف خود را تحت نظر شعبه مقدماتی انجام می دهد.

اساسنامه دیوان در مورد شروع به تعقیب و تحقیق در این دادگاه سه فرض « ارجاع توسط کشورهای عضو اساسنامه»، « ارجاع توسط شورای امنیت» و « ابتکار دادستان» را در نظر گرفته است. ضمن اینکه در صورت پذیرش صلاحیت دیوان در ارتباط با جرم خاص از سوی دولت غیر عضو و یا اینکه جرم در قلمرو دولت عضو ارتکاب یابد نیز موضوع قابل رسیدگی در دیوان است. با این وصف وجود دیوان کیفری بین المللی امید مقابله با بی کیفری را در دولتهای غیرعضو نیز بالا برده است. به نحوی که این امید در خصوص کشورهای غیرعضو با ارجاع وضعیت سودان و لیبی جامه عمل به خود پوشید.

هرچند نظارت شعبه مقدماتی بر اقدامات دادستان دیوان، محدودیت هایی برای وی ایجاد می کند که در جهت پیشگیری از سوء استفاده دادستان از مقام خود است، لیکن با نظارت شعبه مقدماتی خدشه ای به استقلال دادستان وارد نمی شود. زیرا دادستان می تواند با استقلال کامل اطلاعات و ادله لازم را جمع آوری و نسبت به بررسی و ارزیابی آنها اقدام و پس از انجام وظایف تحقیقی و تعقیبی خود تصمیم لازم را اتخاذ نماید.

دیوان کیفری بین المللی بر مبنای توافق کشورهای ایجاد شده است و تعقیب، تحقیق، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات واقع در صلاحیت این دیوان با نظم و امنیت بین المللی مرتبط است. به همین منظور اساسنامه آن به گونه ای تدوین شده است که با نظامهای حقوق داخلی کشورهای عضو مغایرت و تضاد

زیادی نداشته و ساختار نوینی را برای تعقیب مرتکبین جنایات مهم بین المللی به وجود آورده است. این ساختار جدید که تلفیقی موفق از سیستم ها و نظامهای حقوقی شناخته شده دنیای امروزی است، می تواند در خصوص نحوه تعقیب جنایات به عنوان یک الگوی مناسب مطرح و در راستای یکنواخت کردن روشهای تعقیب و به هم نزدیک ساختن سیستم ها و نظامهای حقوقی موثر باشد.

منابع

اردبیلی ، محمدعلی. (۱۳۸۶) ، «همکاری دولتها با دیوان کیفری بین المللی» ، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی ، شماره ۴۵ ،

اردبیلی ، محمدعلی. (۱۳۸۸) ، حقوق بین الملل کیفری، گزیده مقالات. چاپ سوم، تهران ، نشر میزان.
آقای جنت مکان ، حسین. (۱۳۸۷) ، «نظارت قضایی بر تشخیص دادستان کیفری بین المللی» ، مجله حقوقی ، دفتر خدمات حقوق بین الملل ریاست جمهوری ، تهران ، شماره ۳۹
آل حبیب ، اسحاق. (۱۳۸۷) ، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران ، تهران ، وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.

بابایی ، کوروش. (۱۳۸۹) ، «وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی» ، تعالی حقوق ، سال دوم ، شماره ۶

جوانمرد ، بهروز. خدایی ، حسین. (۱۳۹۲) ، «نظام حقوقی ایران در ارتباط با دادگاه کیفری بین المللی» ، تعالی حقوق سال دوم ، شماره ۷

خداخواه ، نسیم. (۱۳۹۰) ، «حقوق بزه دیده و متهم در دیوان کیفری بین المللی» ، وکیل مدافع ، شماره ۱۷

شبت ، ویلیام. (۱۳۸۴) ، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی ، مترجمین : سید باقر میرعباسی و حمید الهویی نظری ، چاپ اول، تهران ، انتشارات جنگل.

شریعت باقری ، محمدجواد. (۱۳۸۸) ، حقوق کیفری بین المللی ، چاپ هشتم، تهران ، نشر جنگل.
صابر ، محمود. (۱۳۸۸) ، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی ، چاپ اول، تهران ، انتشارات دادگستر.

صابر ، محمود. (۱۳۸۸) ، «آیین تعقیب جنایات در دادگاه کیفری بین المللی» ، فصلنامه حقوق ، دوره ۳۹ ، شماره ۲

صالحی ، جواد. (۱۳۹۷) ، «نقدی بر جایگاه دادستان در دادرسی های دیوان کیفری بین المللی» ، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی ، سال دوم ، شماره ۴

عابدی تهرانی، طاهره. آریا، امین. کونانی، محمدرضا. (۱۳۹۷)، «نهاد دادرسی و تشکیلات آن در حقوق

ایران و دیوان کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل» ، سال یازدهم، شماره ۴۰
کرباس فروش، قاسم. وروایی، اکبر. (۱۳۹۸) ، «مطالعه تطبیقی حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم در ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین الملل» ، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، سال دهم،

شماره ۴۱

کوشا ، جعفر. تقی پور، علیرضا. (۱۳۸۵)، «حق دسترسی به وکیل در محاکم کیفری بین المللی یوگسلاوی،

رواندا و دادگاه کیفری بین المللی از دیدگاه حقوق بشر»، نامه مفید، سال دوازدهم، جلد ۲ شماره ۵۵
گلدوست جویباری ، رجب. (۱۳۹۳) ، «تعویق تعقیب یا تحقیق در دیوان کیفری بین المللی» ، تحقیقات حقوقی آزاد ، سال هفتم ، شماره ۲۳

منصوری دهبید، عبدالرضا. رضانی، احمد. عطاشنه، منصور. (۱۳۹۹)، «نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در

دیوان کیفری بین المللی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل ، سال سیزدهم، شماره ۴۷.

میرمحمد صادقی ، حسین. (۱۳۹۲) ، دادگاه کیفری بین المللی، چاپ ششم، تهران ، نشر دادگستر.